

تاریخ ایران زمین

حمید بابایی

نام کتاب: تاریخ علم در ایران
 نویسنده: اسفندیار معتمدی
 ناشر: مهاجر
 نوبت چاپ: نخست/۱۳۸۸
 شمارگان: ۵۰۰۰ نسخه
 قیمت: ۴۵۰۰ تومان



وقتی کتاب تاریخ علم را برای معرفی برداشتم فکر نمی‌کردم کارم از یک بررسی ساده بگذرد و به یک نقد و نگاه کلی به کتاب برسد. کتاب آنچنان جذاب بود که یادم رفت کتابی تاریخی می‌خوانم.

تاریخ برای بسیاری از ما یاد آور خاطراتی تلخ است، این تلخی شاید برگردد به کلاس‌های درس و اجبار برای حفظ کردن نام پادشاهان مختلف و سلسله‌ها. اما این کتاب با کتاب‌های تاریخی دیگر کمی متفاوت است. در این نوشته تلاش کرده‌ام در هر فصل چکیده‌ای از مطالب را بیان کرده و سپس در پایان نگاهی اجمالی به کتاب داشته باشم. اما قبل از هر چیز علم چیست؟ و اصلاً چرا ما باید تاریخ علم را بخوانیم؟

علم* ساختاری برای تولید و ساماندهی دانش درباره‌ی جهان طبیعی در قالب توضیح‌ها و پیش‌بینی‌های آزمایش‌شدنی است. به طور کلی اطلاعات مجموعه‌ای از داده‌های خام و پردازش نشده است. پردازش اطلاعات، تولید علم می‌کند، و علمی که روشش تجربی و نتایجش آزمون‌پذیر و موضوعش جهان خارج باشد، علم تجربی است.

خواندن تاریخ به نسل جوان ما نشان می‌دهد از کجا برخاسته‌اند و باید به کدام سمت حرکت کنند. در این نوشته مجال پرداختن به اندیشه‌های جدید که در آن تاریخ را بی‌ارج نشان می‌دهند نیست اما شاید اشاره به این نکته‌ی کوتاه بد نباشد و آن این است که چه کسانی تاریخ را بی‌اهمیت جلوه می‌دهند؟ فلاسفه‌ای که از دل کشوری با تاریخ عظیم برآمده‌اند؟ یا کشورهایی که قدمت آن‌ها به ۴۰۰ سال هم نمی‌رسد؟



پیش از مهاجرت آریائی‌ان به فلات ایران، اقوامی با تمدن‌های متفاوت در ایران می‌زیستند. سرزمین کنونی ایران بخشی بزرگی از یک واحد جغرافیایی به نام فلات ایران است، این واحد طبیعی با تنوع اقلیمی و زیستی خود دارای ویژگی‌های بارزی است که در نتیجه آن وحدت فرهنگی ایران را سبب شده است، بی شک تمدن بشری مرهون نبوغ و خلاقیت مردمانی بوده است که سالیان دراز در این سرزمین زندگی کرده‌اند و در تعامل با جغرافیا و نظام طبیعی حاکم بر آن و در جریان روزگار، تاریخ فرهنگی و تمدن خود را آفریده‌اند. کتاب تاریخ علم در ایران نوشته آقای اسفندیار معتمدی به بررسی تاریخ علم در ایران از دوره باستان تا آغاز اسلام می‌پردازد.

فصل اول:

در این فصل نویسنده به بیان کلیات می‌پردازد و به علم و پیدایش آن اشاره می‌کند. در ادامه نویسنده به بررسی دوره‌های تاریخ می‌پردازد:

«دوران پیش از تاریخ از زمان پیدایش انسان و نخستین ابزار سنگی ساده به دست انسان در ۵/۲ میلیون سال پیش تا حدود ۴۵۰۰ سال پیش از میلاد مسیح که خط اختراع شد در نظر گرفته می‌شود. دوران پیش از تاریخ خود به دو دوره‌ی سنگ و فلز تقسیم می‌شود» (ص ۱۴).

سپس دوره‌های سنگ و فلز بررسی شده و بعد از آن درباره فلات ایران و مشرق زمین صحبت می‌شود و فصل با بررسی فرهنگ و تمدن پیش از آریایی‌ها و آریایی‌ها به پایان می‌رسد.

«آریایی‌ها مردمی دامپرور، سوارکار و جنگجو بودند. از نخستین مردمی بودند که اسب‌های وحشی را رام کردند و آن‌ها را برای سواری و کشیدن گردونه و باربری به کار گرفتند» (ص ۲۳).

فصل دوم:

که به نام «تاریخ و فرهنگ ایران» است، به کشفیات باستان‌شناسی که در ایران صورت گرفته است اشاره می‌کند و در ادامه به بررسی سلسله‌های شکل گرفته در ایران از سلسله‌ی مادها تا آخر قرن چهاردهم می‌پردازد.

«پادشاهان ماد اغلب با شاهان آشور در جنگ بودند. در سال ۶۱۵ ق.م. قبایل ماد تحت رهبری هووخستره متحد شدند و به امپراطوری آشور حمله و با همدستی بابلی‌ها دولت آشور را در سال ۶۰۵ قبل از میلاد منقرض کردند. غلبه بر دولت آشور بر عظمت دولت ماد بسیار افزود» (ص ۲۸).

اگرچه در بیان سلسله‌ها نهایت اختصار به کار رفته است، اما سعی شده مطالب بیان شده دقیق و نکات مهم را در بر گیرد. از آنجا که قصد کتاب بررسی علم در دوره‌ی پیش از اسلام است، سلسله‌های این دوران با جزئیات بیشتری بررسی می‌شود.

«تصور می‌شود که در باتری اشکانیان از سرکه به عنوان الکترولیت استفاده می‌کردند و آن را برای فلزکاری به کار می‌بردند: سوال این است که آیا اشکانیان از این دستگاه به منظور جلوگیری یا درمان استفاده می‌کردند از طرف دیگر شاید آن‌ها احتمال درمان با شوک الکتریکی را انجام می‌دادند. چه بسا کاهنان اشکانی برای همین منظور تعدادی از این واحد را به یکدیگر وصل می‌کردند.» (ص ۳۱).

در این فصل تصاویری از ایران در دوره‌های مختلف استفاده شده است که برای فهم بهتر مطلب کمک بسیاری می‌کند.

فصل سوم:

در این فصل به بررسی علوم و فنون ایرانیان پرداخته می‌شود. در ابتدای فصل به منابع تاریخ علم ایرانیان اشاره می‌شود و سپس کشفیات مهمی که به ایرانیان منتصب است بیان می‌شود. از جمله‌ی آن‌ها کشف آتش است، کتاب منبع مورد استناد خود را شاهنامه حکیم ابوالقاسم فردوسی ذکر می‌کند.

«یک روز هوشنگ، شاه ایران با گروهی به سوی کوه می‌رفت، ماری سیاه رنگ در مسیرش پدید آمد. سنگی را برداشت تا بر سر مار کوبد. اما مار راه خود را کج کرد و آن سنگ بر سنگ دیگری خورد و جرقه‌ی آتش از آن برخاست.» (ص ۵۲).

در ادامه سایر ابداعات و نوآوری‌های ایرانیان ذکر می‌شود. این روند از ذوب فلزات آغاز می‌شود و تأثیری که در وضعیت زندگی ایرانیان گذاشته است؛ از جمله تأثیر در کشاورزی.

«ایرانیان با کمک آتش فلزات مس، آهن، سرب، طلا و نقره را از سنگ جدا کردند و وسایل و ابزارهای کار و زینت آلات فلزی ساختند. آن‌ها دم آهنگری را اختراع کردند و قالب‌های سفالی، سنگی و کوره ذوب آهن ساختند.» (ص ۵۳).

در این فصل درباره‌ی یکتاپرستی در نزد ایرانیان سخن گفته می‌شود. اعتقاد به این مسئله باعث شد، ایرانیان در بسیاری از جهات پیشرفت‌های بزرگی داشته باشند. «آن‌ها (ایرانیان) معتقد بودند که آب را باید پاک نگاهداشت و بدن را باید از آلودگی زدود. اما نباید در رودخانه فرو روند تا ناپاکی‌ها به آب اضافه شود. بلکه باید بدن را با آب گرم شستشو دهند. آن‌ها گرمابه را برای شستن بدن ابداع کردند و اقوام دیگر ساختن گرمابه و رفتن به آن را از ایرانیان اقتباس کردند.» (ص ۵۷).

به نظرم در این فصل جذاب‌ترین و جالب‌ترین قسمت بخش پزشکی است، که در آن درباره‌ی قوانین پزشکی در ایران حرف زده می‌شود و سپس به نظرات پزشکی در دوره ساسانیان پرداخته می‌شود که بسیار جالب و حیرت آور است.



«در کتاب اوستا پزشکان را به پنج گروه تقسیم کرده‌اند:

- ۱ - کاردپزشک که همان جراح است که با وسایل جراحی درمان می‌کند.
- ۲ - گیاه پزشک که با داروهای گیاهی درمان می‌کند.
- ۳ - دعا پزشک که با کلمات مقدس درمان می‌کند.
- ۴ - اشوپزشک که به کمک اشه درمان می‌کند. اشه در زبان اوستایی در مفهوم نظم این جهانی که حاکم بر جهان است.

۵ - داد پزشک که درباره ضایعات وارد شده به بدن اشخاص و کیفر مربوط به آن‌ها کار می‌کند که همان پزشک قانونی است.» (ص ۶۰).



در انتهای فصل مسئله جهان و پیدایش آن و علوم مختلف از منظرهای گوناگون مورد بررسی قرار می‌گیرد. این فصل نسبت به فصل‌های دیگر جذابتر است و اطلاعاتی که می‌دهد در اندازه‌های یک کتاب مجزا است. اطلاعات این فصل بسیار دقیق‌گزینه شده است و هر بخش از اطلاعات در راستای کلی فصل است.

فصل چهارم:

میراث باستانی ایران نام این فصل است. در این فصل بناهای تاریخی‌ای که به دست ایرانیان ساخته شده است با ذکر ابعاد و مکان دقیق آن‌ها بیان می‌شود. این فصل با کهن‌ترین بنای تاریخی ایران یعنی چغازنبیل آغاز می‌شود و با بیستون که به دستور داریوش ساخته شده بود به پایان می‌رسد.

«کتیبه‌های تاریخی بیستون که به سه زبان و خط بابلی، ایلامی و پارسی کهن به یادگار مانده است، به نام کتیبه‌ی بزرگ و کتیبه‌ی کوچک شهرت دارد. کتیبه‌ی بزرگ شامل پرستش و اطاعت از اهورامزدا، نسب و شجره‌ی داریوش کبیر، و حوادث دوران سلطنت و عقاید و وصایای اوست. کتیبه‌ی کوچک نیز شامل حوادث دوران امپراتوری وی است» (ص ۸۱). بعد از این قسمت درباره خط در ایران صحبت می‌شود و از خط به کتیبه می‌رسد. همان‌طور که در بخش گذشته اشاره شد، یکی از نقاط مثبت این کتاب پیوستگی مطالب است. برای مثال در این فصل از خط صحبت می‌شود و بعد از آن به کتیبه می‌رسد و از کتیبه به کتاب‌های علمی به جای مانده در ایران و در نهایت با کتابخانه به پایان می‌رسد. «کتاب بزرگمهر حکیم، هم یکی از کتب نجومی ایران قدیم منسوب به بزرگمهر بختکان است که در قرن دوم هجری از پهلوی به عربی نقل شده و در کتب نجومی اثری باقی و پایدار گذارده است» (ص ۹۰).

فصل پنجم:

گندی شاپور و مراکز علمی ایران پیش از آن نام این فصل است و همان‌طور که از نام آن پیداست درباره‌ی مراکز علمی سخن می‌گوید. مغان ایرانی قدیمی‌ترین افرادی بودند که در زمینه‌ی علمی کار کرده‌اند این مطلب مقدمه‌ای است برای آغاز فصل. سپس در مورد مکان‌های مختلف در دوران‌های دیگر از مادها تا سلوکیان مورد بررسی قرار می‌گیرد. «مدرسه‌های که پارسیان در سال ۳۶۳ میلادی در الرها تاسیس کردند و در آن جا استادانی که در اسکندریه آموزش دیده بودند به تدریس علوم و ترجمه کتاب‌ها می‌پرداختند، در سال ۴۸۹ میلادی به فرمان امپراتور روم بسته شد و بعضی از این استادان به مدرسه‌ای که در نصیبین گشایش یافت روی آوردند» (ص ۱۰۲). بعد از مکان‌ها درباره استادان حرف زده می‌شود و سپس به گندی شاپور در دوره‌ی اسلامی اشاره می‌شود. علت اینکه بخش زیادی از این فصل درباره گندی شاپور است اهمیت این مدرسه (البته بعدها بیمارستانی نیز با همین نام ساخته شد) در دوران قبل و بعد از اسلام است. تعداد زیادی از دانشمندان و متفکران در این مدرسه تربیت شده‌اند که همگی در ساخت ایران در حوزه‌های مختلف نقش داشته‌اند.

فصل ششم:

این فصل پایانی است و به نوعی ادامه‌ی فصل قبلی است. در این فصل درباره بزرگان علم و اندیشه سخن گفته می‌شود. در ابتدا از زردشت به عنوان یک حکیم و پیامبر یاد می‌شود. در ادامه از ترتیبا سخن گفته می‌شود که اولین پزشک ایرانی است و درباره‌ی شخصیت او صحبت می‌شود. در این فصل اشاره‌ای هم به سلمان فارسی و خدمات او به مسلمانان می‌شود. این فصل با وصیت نامه‌ی داریوش اول هخامنشی به پایان می‌رسد. این نوشته سرشار از نکات جالب در زمینه‌ی کشورداری و اخلاق است.

«هر گز دروغگو و متملق را به خود راه نده چون هر دوی آن‌ها آفت سلطنت هستند. بدون ترحم دروغگو را از خود دور نما..... آموزش را که من شروع کرده‌ام ادامه بده و بگذار اتباع تو بخوانند و بنویسند تا اینکه فهم و درک عقل آن‌ها بیشتر شود و هر قدر که عقل و فهم آنان زیادتیر شود تو با اطمینان بیشتری می‌توانی سلطنت کنی.» (ص ۱۲۸)

کتاب در یک نگاه:

کتاب دارای نثری ساده و روان است و گروه‌های سنی مختلفی را می‌تواند در بر بگیرد. در حاشیه‌ی هر صفحه تصاویری از مکان‌ها و افراد و..... استفاده شده است، این تصاویر باعث فهم بهتر موضوع می‌شود و مسائل را جذاب تر می‌کند. یکی از نقاط ضعف کتاب حروف چینی آن است. فاصله‌ی بین حروف رعایت نشده است و این مسئله باعث شده مخاطب کمی در خواندن متن دچار مشکل شود که برای کتابی چنین ارزشمند مناسب نیست. انتخاب متن‌ها و پیوستگی مطالب بسیار خوب است و باعث شده متن مانند یک داستان زیبا پیش برود.

پی‌نوشت:

* مطالب مربوط به توضیح علم و مقدمه در مورد ایرانیان برگرفته از سایت ویکی‌پدیا می‌باشد.

